

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
 Tel: 003581 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۸۶

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۹ آبان ۱۳۸۶ ، ۳۱ اکتبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال گلپریان
 abdolgolparian@yahoo.com

اطلاعیه پایانی پلنوم ۲۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



روند تحولات در فاصله بین دو پلنوم پرداخت و مشخصا بر ناتوانی رژیم در مرعوب کردن جامعه و گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری و دانشجویی و مبارزه علیه اعدام و دفاع از زندانیان سیاسی در این دوره تاکید کرد. بعد از سخنرانی افتتاحیه، اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران گزارش عرصه های مختلف فعالیت حزب در فاصله بین دو پلنوم را به پلنوم ارائه داد. دوره چند ماهه اخیر یکی از پرتلاطم ترین دوره ها در روند

بیست و نهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب در روزهای ۲۷ و ۲۸ اکتبر ۲۰۰۷ (۵ و ۶ آبان ۱۳۸۶) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی، مشاورین کمیته مرکزی و با حضور کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم پس از پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانبساختگان راه آزادی و سوسیالیسم و به یاد عزیز منصور حکمت کار خود را آغاز کرد. در سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی به شرایط سیاسی جامعه و

اعتراضات و مبارزات مردم و یکی از فعالترین دوره های فعالیت حزب بود و گزارش اصغر کریمی روشنایی این واقعیت را منعکس میکرد. وضعیت مالی حزب و ضرورت فعالیتهای وسیع تر و همه جانبه تر برای تامین هزینه های حزب بویژه هزینه تلویزیون کانال جدید از دیگر موضوعاتی بود که در گزارش رئیس هیئت دبیران حزب مورد تاکید قرار گرفت. در این مورد سمینار ویژه ای در جوار پلنوم

صفحه ۲

نشانه های بارز چرخش به چپ و فراگیری سوسیالیسم در جامعه

امید سرخ

و اسلام سیاسی در آن حکومت میکنند در جامعه ای که دهها هزار نفر از شریف ترین انسانهای مبارز و سوسیالیست را به جوخه های اعدام سپردند اما باز میبینیم که جنبشی که امروز پا به عرصه سیاسی گذاشته است عاری از هر گونه سازش خواهی و کوتاه آمدن از خواسته ها و مطالبات انسانی و چشمانشان را بر این حقایق میبندند و نمیخواهند درک کنند که جامعه چقدر به جلو رفته است.

صفحه ۵

روز جهانی کودک و مراسم های با شکوه آن در تعدادی از شهرهای ایران نشان از یک تمدن بشری بسیار قوی، زیبا و انسانی و همچنین نشانی بارز از هر چه همگیر تر شدن ایده های انسانی و آرمانهای بشری در جامعه است و به یک معنی آرمانها و ارزشهایی که فقط سوسیالیسم و کمونیسم جواب آن است. جامعه ای که خیلی ها آن را عقب مانده، شرقی، اسلامی و غیره جلوه میدهند جامعه ای که همه چیز در آن ایدئولوژیک است و نزدیک به سه دهه است که مذهب و خرافه

صفحه ۶

مرگ یک کارگر بدنبال سقوط به چاه خانواده صابر نواری و مردم آویهنک، داغدار مرگ این کارگر هستند.

را بستری کرده بودند اما با نهایت تاسف روز دوشنبه ۸-۷-۱۳۸۶ ساعت چهار صبح جان باخت و جسد او را به روستای آویهنک در حومه سنندج انتقال دادند.

صفحه ۶

امرار معاش خود و خانواده به چاه کنی مشغول شده و متاسفانه چهارماه پیش در جریان کندن چاه به داخل چاه سقوط کرده و از ناحیه نخاع دچار صدمه شدیدی شده بود و در یکی از بیمارستانهای تهران وی

یک کارگر اهل آویهنک به اسم صابر نواری که تا پنج ماه قبل در یک کارخانه در محلی دردماونند کار میکرد و او را از کارخانه اخراج کرده بودند، بعد از قطع امید از کار در کارخانه بناچار برای

احکام زندان برای اساتلو و مددی را با اعتراض سراسری پاسخ دهیم

هیستریک نشوید، بی پرسویی را کنار بگذارید!

روزگار غریبی است نازنین... سارا

کارگران هفت تپه آماده تشکیل سندیکا شدند

اخباری از وضعیت جسمانی محمود صالحی و مجید حمیدی

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۳

صفحه ۴

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه پایانی پلنوم ۲۹ . . .

احکام زندان برای اسانلو و مددی را
با اعتراض سراسری پاسخ دهیم

جمهوری اسلامی در آخرین براند .
تلاش خود برای مقابله با
اعتراضات کارگری، روز یکشنبه
۶ آبان منصور اسانلو را به ۵ سال
زندان و ابراهیم مددی را به دو
سال زندان محکوم کرد. این دو
رهبر سندیکای شرکت واحد به
جرم دفاع از خواستههای بحق
کارگران شرکت واحد محکوم به
زندان های طولی مدت شده اند .

این احکام تعرضی به همه
کارگران ایران است و باید از جانب
همه کارگران پاسخی قاطع
بگیرد. جمهوری اسلامی باید
بداند که کارگران از حقوق پایه ای
و انسانی و بحق خود به هیچ وجه
کوتاه نمی آیند. احکام زندان برای
اسانلو و مددی تلاش جمهوری
اسلامی برای عقب راندن جنبش
کارگری گسترده ای است که در
تمام محیط های کارگری در حال
فوران و گسترش است. کارگران
در ایران زیر شدیدترین تعرض
صاحبان سرمایه و حکومت
اسلامی شان قرار دارند.
دستمزدهای زیر خط فقر و عدم
پرداخت به موقع دستمزدها،
محرومیت از حق تشکل و
اعتصاب، و محرومیت از
ابتدایی ترین تأمینات اجتماعی،
کارگران و خانواده های کارگری را
به شرایطی غیرقابل تحمل رانده
است. این شرایط را کارگران
نپذیرفته اند و بهیچوجه نخواهند
پذیرفت. این جنبش اعتراضی
گسترده کارگرانی را که
نمیخواهند به توحش سرمایه
داران و حکومتشان تمکین کنند،
نمی توان با دستگیری و زندانی
کردن فعالین و رهبران کارگری
عقب راند. کارگران عزم کرده اند
که از زندگی و حرمت و حقوق
پایه ای خود با مبارزه و اعتصاب
و اعتراض دفاع کنند. جمهوری
اسلامی از این جنبش است که به
هراس افتاده و میخواهد با به بند
کشیدن چهره های شناخته شده
کارگری، جنبش کارگری را عقب

رفقای کارگرشکرت واحد!
نقش شما در این مبارزه مهم
و تعیین کننده است. ساکت
نشینید! شما صفی جهانی را در
کنار خود دارید. اعتصاب و
اعتراض متحدانه شما میتواند به
این مبارزه ابعادی سراسری و
جهانی بدهد. با صفوف متحد به
میدان بیایید و از حقوق و رهبران
خود دست در دست همه کارگران
قاطعانه دفاع کنید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد اتحاد کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آبان ۱۳۸۶
۳۱ اکتبر ۲۰۰۷

شرکت کنندگان در پلنوم فعالانه
شرکت کردند و از زوایا و جنبه
های مختلفی این موضوع را
مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند .

آخرین دستور پلنوم به سیاق
همیشه انتخاب دبیر کمیته
مرکزی و اعضای دفتر سیاسی
بود. پلنوم به اتفاق آرا حمید
تقوایی را بعنوان دبیر کمیته
مرکزی انتخاب نمود. ۲۱ نفر زیر
نیز بعنوان اعضای دفتر سیاسی
حزب انتخاب شدند:

محمد آسنگران، محسن
ابراهیمی، مینا احدی، عبدالنّه
اسدی، سیامک بهاری، فاتح
بهرامی، امیر توکلی، کیوان
جاوید، فرشاد حسینی، شهلا
دانشفر، بهرام سروش، سهیلا
شریفی، عصام شکری، مصطفی
صابر، حسن صالحی، مرتضی
فاتح، اصغر کریمی، خلیل کیوان،
نوید مینائی، مریم نمازی و کاظم
نیکخواه. در جلسه کوتاه دفتر
سیاسی که بلافاصله پس از پلنوم
برقرار شد مصطفی صابر به اتفاق
آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی
انتخاب شد.

فیلم مباحث پلنوم ۲۹ بزودی
روی سایت های حزب در اختیار
عموم قرار خواهد گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ اکتبر ۲۰۰۷، ۹ آبان ۱۳۸۶



برگزار شد و راههای عملی تأمین
مالی حزب مورد بررسی قرار
گرفت.

بحث در مورد موقعیت
جنبشهای اجتماعی و افق انقلاب
در ایران، پلاتفرم فعالیت های حزب
در کردستان و همچنین اساسنامه
حزب از دستورات دیگر پلنوم بود.
بعلت فشرده مباحث و ضیق
وقت پلنوم فرصت بحث و تصمیم
گیری در مورد اساسنامه را نیافت
و این دستور به پلنوم بعد محمول
شد. در مورد پلاتفرم حزب در
کردستان نیز پلنوم بعد از بحث در
مورد مفاد و بندهای مختلف آن
تصویب نهائی این سند را به دفتر
سیاسی محمول کرد.

مهمترین بحث پلنوم
موقعیت امروز جنبشهای
اجتماعی و چشم انداز انقلاب
سوسیالیستی در ایران بود که
بوسیله حمید تقوایی معرفی شد.



روزگار غریبی است نازنین...



اینها همه نمونه های کوچکی است که همه از سایه سیاه و نکبت بار حکومت درنده اسلام است اسلامی که در آن حقوق انسان بی ارزش است و کودکان حتی در آن جزء آدم بحساب نمی آیند این حال با کمال پرویی از مساوات و عدالت سخن می گویند و اینگونه مردم را فریب می دهند: "که باید درد دنیا زشتیها وجود داشته باشد تا نیکی ها معنا پیدا کنند". اما به حقیقت (اگر شیطانی باشد) اینها دست شیطان را از پشت بسته اند با فریبهایی که قرآن و خدا و محمد در متن آن قرار دارد نابرابری و بی عدالتی و قساوت و وحشیگری را تبلیغ می کنند و اینها را جزئی از سرنوشت انسان و ازلی وابدی بیان میکنند با کمال بی شرمی به مردم می گویند که "خدا اینگونه روی پیشانی تو نوشته است و خواسته سرنوشت تو اینگونه رقم بخورد". بی اختیاری انسان در مقابل زندگی را ترویج می کنند تا بتوانند یک روز بیشتر به عمر حکومت فاسدشان که پایه های لرزان آنها را به تنگ آورده است بیفزایند. اما باید این بار حساب کاردستان بیاید که دیگر گذشت آن زمان که عبا و عمامه و ریش و پشم توانست برای مدتی مردم را فریب دهد. امروز دیگر مردم آنقدر از اسلام عاصی اند که ارزشی برایش قائل نیستند مردم آگاه هستند و می دانند که هرچه در این سالها کشیده اند از دست خدا و محمدا و قرآن بوده است دیگر وقت آن رسیده که دستشان را که آلوده به خون انسان و انسانیت است از سر زندگی مردم کوتاه و شرشان را از سر آنان کم کنند.

به امید یک دنیای بهتر

شدند قدر سخت است در دنیایی زندگی کنی با این همه امکانات و رفاه و آسایش که فقط برای عده ای از افراد باشد کودک ۹ ساله ای که در این دنیای بزرگ با این همه آدم، تنهای تنهای تنها است و کسی او را نمی بیند و حتی اگر ببینند به او اهمیتی نمی دهند کودکانی مثل او زیاد هستند که وجود تک آنها مهرنگی برایشانی بشریت است کودکان کار و کودکان خیابانی که تنها مأوایشان خیابان و پیا دروهاست که حتی در آنجا هم از دست مأموران فاسد رژیم فاشیست اسلامی در امان نیستند. کودکانی که از سنین بسیار پایین خوابیدن در پیهاده روها را تجربه می کنند و یاد می گیرند که برای زنده ماندن دستشان را جلوی دیگران دراز نکنند و گدایی کنند و یا در اثر کارهای سختی که خارج از توان آنهاست نقص عضو می شوند. هنوز دختر بچه ۷ ساله ای را که در آسیاب مرغداری یکی از پاهایش را از دست داده بود و با عصای زیر بغل راه میرفت به یاد دارم حدود ۵ سال پیش او را دیدم اما تصویری که از او در ذهنم نقش بست را تا روزی که زنده باشم در ذهنم دارم.

البته این وضعیت فقط شامل کودکانی نمی شود که پدر و مادر بالایی سرشان نیست کودکانی که پدر و مادر دارند ولی در زیر فشار اقتصادی کمشان خمیده است و با این وضع اسفبار اقتصادی قادر به تأمین نه تنها کودکانشان و حتی خودشان هم نیستند پدری که از روزگار سخت و نکبت بارش می نالید و می گفت دود تا دخترهایم از سوء تغذیه بیمار هستند و من نمی توانم برایشان کاری بکنم و مادری که بچه یک ساله اش بیمار بود و بخاطر خرج دارو و درمان نمی توانست او را به دکتر ببرد.

سارا

اوایل مهر بود و کلاسهای درس شروع شده بودند که پسر بچه ای را دیدم که در یک دستش دمپایی و در دست دیگرش وسایل واکسی که بدنبال مردی بود که از وضعیت لباسش و فخری که به زمین می فروخت معلوم بود که از آن سرمایه دارهای بیخبر از همه چیز است، تا کفش هایش را واکس بزند. نگاهم متوجه او بود می خواستم فرصتی پیش بیاید و یا آن پسر بچه که ۹ ساله بنظر می رسید حرف بزنم خیلی خسته بود دستهایش کاملاً سیاه و لباسی نازک با وجود سرمای آن روز به تن داشت

نزدیکش رفتم سرش را بلند کرد و گفتم: می خواهید کفشهایتان را واکس بزنم؟ گفتم مدرسه ها باز شده تو چرا سر کلاس درس نیستی؟ سؤال بی مورد بود چون وضعیت نابسامان کودکان در ایران از دید کسی پنهان نیست ولی می خواستم سر صحبت را با او باز کنم و این سؤال را مناسب دیدم.

سرش را پایین انداخت و آهی از سرش کشید نگاه عمیق و مظلومانه ای داشت از نگاهش کاملاً آن همه زحری را که تا آن سن کم کشیده بود آشکار بود پاسخ داد پس پدر و مادرم را چکار کنم؟ کسی خرج آنها را در بیارود؟

حرفهایم همانند پتکی سنگین به سرم خورد. آخر چطور یک بچه ۹ ساله نان آورخانه اش است؟ صحبتهایم را ادامه داد و گفت پدرم نابینا است و مادرم هم مریض و زمینگیر است آنها فقط من را دارند. ومن مجبورم از آنها مواظبت کنم فقط کلاس اول ابتدایی را خواندم و بعد از آن پدر و مادرم به این وضع دچار شدند و من نتوانستم درس بخوانم و باید مواظب آنها باشم. با اصرار به مردم کفشهایشان را واکس می زنم و آنها در قبال هر جفت کفشی که واکس می زنم به من ۱۰۰ تومان می دهند چشمهای پدرم به عمل احتیاج دارد و مادرم هم برای اینکه حالش خوب شود باید به دکتر برود که آنها هم پول زیادی می خواهد. برای یک لحظه پدر نابینا و مادر زمینگیر او و وضع زندگی اش در ذهنم مجسم

هیستریک نشوید، بی پرسیبی را کنار بگذارید!

نیستند، راست، افشا شده، و شکست خورده اند. تا آنجا که به نوشته های مهنوش موسوی مربوط میشود، که ظاهراً انگیزه اطلاعاتیه علیه ما شده است! جرم او، علاوه بر نقد مباحث و نظریات این دوستان - که به با اخراج او پاسخ گرفت - افشای یک بی پرسیبی و بی اصولی آشکار رهبری این حزب است. افشای بی اصولی، بی پرسیبی نیست، عین اصلیت است. اگر مخفیانه رابطه ای برقرار کرده اید و مذاکراتی کرده اید که قادر به دفاع از آن نیستید، به افشا کننده این روابط حمله نکنید، دست از این بی اصولی ها بردارید.

اما فراهوان ایزوله کردن حزب کمونیست کارگری، آنها هم به بهانه افشاکاری مهنوش موسوی از این بی اصولی ها، بدعت تازه ای در راست روی و بی پرسیبی است. نارهبرانی که در جامعه و حتی در حزب و در کنگره خودشان ایزوله شده اند، فراهوان ایزوله کردن حزب کمونیست کارگری را صادر میکنند! انتظاری جز این نمی رفت. از کسانی که جنبش سرنگونی طلبانه مردم را شکست خورده میخوانند، و برای حزبشان وظیفه تعیین میکنند که در شرایط جنگی در برابر شورش مردم از اموال سوپرمارکت ها دفاع کند، انتظاری جز این نمیرفت که حزبی را هم که در دفاع از جنبش و شورش امروز و فردای مردم در برابر این سیاستها و تزه های مششع می ایستد، منحط بخوانند و خواهان ایزوله کردن آن شوند. این از سر و سواس اخلاقی و اصولگرایی نیست، یکی از شرایط راه یافتن به زمین بازی آینده سازان در مرزها است.

حزب "حکمتیست" بدنبال دچار شدن به بحران هویتی، اهدای رهبری جنبش سرنگونی به نیروهای راست و اعلام شکست این جنبش، خیز برداشتن به طرح سیاست بحران سازی نظامی در مرزها، و متعاقب آن به زیر فرش جارو کردن این نظرات در یک کنگره مخفی، بعد از ارتقاء مقام گارد آزادی به پلیس ضد شورش در شرایط جنگی، بعد از اخراج کادر خود به جرم طرح نظرات انتقادی، و بدنبال افشای مذاکرات و چانه زنی های مخفیانه با اعضای از کمیته مرکزی حزب ما بر سر شرایط نقل و انتقال و اسباب کشی آنان به حزب "حکمتیست"، ناگهان به این صرافت افتاده اند که علیه انحطاط حزب ما اطلاعاتیه صادر کنند! برستی دنیای واژگونه ای است! فقط کافی بود نگاهی به آینه بیاندازند!

با این همه ما این دوستان را منحط نمیدانیم. ما با استناد به نظرات و مباحث منتشر شده اعضای رهبری این حزب، در مورد درغلطیدن این حزب به سیاستهای قومی - نظم نوینی هشدار دادیم و خوشحالیم که این سیاستها لاقلاً فعلاً در کنگره دوم مسکوت گذاشته شد. نقد و بحث با این دوستان در نوشته ها و در سخنرانی های اعضای رهبری حزب ما تماماً سیاسی و مستدل و مستند بوده است. برخورد با نقد سیاسی با انگ لجن پراکنی و انحطاط و غیره تنها نشانه درماندگی سیاسی و بی جوابی این دوستان است، سیاستی که متاسفانه در چند سال گذشته از جانب رهبری این حزب با سماجت به پیش می رود. استیصال و درماندگی سیاسی که در مسکوت ماندن در افشانیهای سوپر راست اعضای رهبری این حزب در کنگره دوم و بازگشت ناگزیرشان به مصوبات بزرگ سؤال رفته کنگره اول آنها نیز خود را نشان میدهد. خیر این دوستان منحط

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ نوامبر ۲۰۰۷، ۱۰ آبان ماه
۱۳۸۶

تازه‌ترین خبر از وضعیت جسمانی مجید حمیدی



روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۶/۸/۱ مجید حمیدی از بیمارستان "امیر اعلم" تهران ترخیص و به شهر سنندج بازگشت.

مجید حمیدی از فعالین کارگری و از اعضا "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" و "کمیته دفاع از محمود صالحی" که در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۶ مورد سوqصد افرادی مسلح و نقابدار قرار گرفت، روز سه‌شنبه ۱ آبان ماه از بیمارستان "امیر اعلم" تهران ترخیص و به سنندج بازگشت.

روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۹ طی يك عمل جراحی، چند تا از گلوله‌ها از بدن وی خارج شد. اما به دلیل حساسیت عمل، شدت جراحت و احتمال تاثیر منفی روی قسمتی از صورت او و بنا به توصیه پزشکان معالج، عمل جراحی صورت وی به تعویق افتاد.

ما "کمیته دفاع از محمود صالحی" یکبار دیگر این جنایت را شدیداً محکوم و خواستار شناسائی و مجازات هر چه سریعتر عاملین آن هستیم. ما همچنین از تمامی انسانهای عدالتخواه در سراسر جهان میخواهیم که ضمن محکوم کردن این عمل زشت و قبیح، خواهان پایان یافتن رعب و وحشت علیه فعالین کارگری و آزادی بی قید و شرط کارگران دریند باشند.

ما از همه کسانی که به هر نحوی در محکومیت این ترور اقدام کرده‌اند و همچنین با ما همدردی و جویای حال مجید حمیدی شده‌اند صمیمانه تشکر میکنیم.

کمیته دفاع از محمود صالحی
۲/۸/۱۳۸۶

www.kdmahmodsalehi.blogfa.com

افزایش مجدد فشار خون محمود صالحی



روز چهارشنبه مورخ ۲ مهر ماه ۸۶، فشار خون محمود صالحی دوباره شدت گرفت.

محمود صالحی به دلیل افزایش فشار خون و عدم کنترل آن در درمانگاه زندان، به بیمارستان توحید شهر سنندج منتقل شد. گفتنی است که فشار خون محمود صالحی بالای ۱۹ درجه بوده است.

لازم به ذکر است که بعد از گذشت سه ساعت و مداوای جزئی در بیمارستان توحید، دوباره وی را به زندان مرکزی شهر سنندج انتقال دادند و این در حالی است که فشار خون وی همچنان ۱۹ درجه می‌باشد.

کمیته دفاع از محمود صالحی

۲ مهر ماه ۱۳۸۶

www.kdmahmodsalehi.blogfa.com

**فعالین کارگری،
باید فوراً و بدون قید و شرط
آزاد شوند!**

ایسکرا برنامه ای از یدی محمودی

شما می توانید از طریق تلویزیون کانال جدید روزهای سه شنبه، پنج شنبه و یک شنبه

از ساعت ۳:۰۴ تا ساعت ۵ بعداز ظهر به وقت تهران برنامه های ایسکرا را نگاه کنید.

این برنامه ها روز بعد از ساعت ۱۲:۳۰ تا بعداز ظهر تکرار خواهد شد.

برنامه های ایسکرا را به دوستان و آشنایان معرفی کنید و برای ایسکرا گزارش و خبر بفرستید.



مشخصات فنی: ماهواره هات برد ۸

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۳/۴

پلاریزسیون عمودی - Vertical

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

کارگران هفت تپه آماده تشکیل سندیکا شدند

کارگران نیشکر هفت تپه با امضای طوماری که به اداره کار تحویل داده شد، خواهان تشکیل سندیکا شدند. قبلاً اداره کار برای مانع تراشی در مقابل این خواست به کارگران هفت تپه گفته بود شرط ایجاد سندیکا این است که تعداد معینی از کارگران بطور دسته جمعی تقاضای خود را به اداره کار بفرستند.

کارگران بلافاصله دست بکار شدند و ظرف مدت کوتاهی ۲۰۰۰ نفر از کارگران درخواست خود را مشترکاً امضا کردند و به اداره کار تحویل دادند و بدین ترتیب هزاران کارگر نیشکر هفت تپه عزم راسخ خود را برای متشکل شدن اعلام کردند.

کارگران در بیانیه شش ماده ای خود بدنبال اعتصاب ۱۱ روزه خود اعلام کرده بودند که ایجاد سندیکا و برگزاری مجمع عمومی منظم را حق خود میدانند و حتی روز و ساعت تشکیل مجمع عمومی، یعنی ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر پنجشنبه، را نیز در بیانیه خود اعلام کرده بودند. علاوه بر این کارگران صراحتاً اعلام کرده بودند که شورای اسلامی مانع مبارزه آنها است و باید منحل شود.

آزادی بی قید و شرط تشکل حق مسلم و بی چون و چرای کارگران و همه مردم است و کارگران همینطور که اعتصاب را در عمل و بدون توجه به ممنوعیت آن حق خود میدانند و عملی میکنند، تشکل های مستقل از دولت خود را نیز باید به نیروی خود ایجاد کنند و دولت را مجبور به برسمیت شناسی آن کنند.

حزب کمونیست کارگری پافشاری کارگران هفت تپه برای ایجاد سندیکا و برگزاری مجمع عمومی را قدم مهمی در جهت متشکل شدن میدانند و با تمام قوا از تلاش آنها حمایت میکنند. کارگران هفت تپه با این اقدام خود در خط مقدم کارگران برای متشکل شدن قرار گرفتند و خواست و تلاش آنها به الگوی سایر کارگران تبدیل خواهد شد. حزب از همه نهادها، تشکلهای و مراکز کارگری میخواهد فعالانه و با ارسال نامه و امضای قطعنامه از تلاش کارگران هفت تپه حمایت کنند و برای ایجاد تشکل های خود دست به کار شوند.

زنده باد کارگران هفت تپه
آزادی برای حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
مرک بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ آبان ۱۳۸۶ - ۱۳۰ اکتبر ۲۰۰۷

نشانه های بارز چرخش به چپ . . .

در جامعه ای که به رغم قدرت پلیسی، نظامی و ایدئولوژیکی و سیستم آموزشی لبریز از جهل و خرافه در آن، روز جهانی کودک ارج نهاده میشود مراسم های همچون ۸ مارس و اول مه و فستیوال های موسیقی غربی و آدم برفی ها، هر چه با شکوه تر برگزار می شود که در نوع خود شاید کم نظیر ویا بینظیر باشند که سیستم سیاسی حاکم در طول حاکمیت نتگین خودش با این همه تقلایی که کرده است نتوانسته جای پای ایدئولوژی خود را در میان شهروندان این جامعه محکم کند.

اما سوالی که اینجا مطرح میشود این است که چطور است در جامعه ای که شبانه روز قلم، تصویر، شعر، و موسیقی، ژورنالیست ایرانی و غربی، تاج به سر و عمامه به سر و همه و همه تلاش میکنند تصویری عقب مانده و تهی از مدرنیسم و همچنین شعور سیاسی شهروندان بر صحن جامعه ایران نمایش دهند ولی باز میبینیم موفق نمیشوند و ناکام میمانند.

وضع است در چنین شرایطی باید به جستجوی مواضع نیرو های سیاسی موجود ودر کل نیروهای سیاسی تاثیر گذار بر فرهنگ سیاسی اجتماعی جامعه مشخصا در طول سه دهه گذشته رفت نیروهای که سیاستها و مواضع خود را در چنین مواردی از قبیل آزادی های بی قید و شرط انسانها، رفاه، بهداشت، حقوق کودک و رفهم و بمب اتم و جنگ افروزی آمریکا و متحذینش در منطقه وخطر احتمال جنگ آمریکا علیه ایران اعلام کرده اند و برنامه و پلاتفرم سیاسی خود را عیان ساخته اند و یا گاه امتحان خود را پس داده اند یا اصلا این جامعه چی بوده و چی بر سر آن آمده است.

برای جواب به همه این سوالات همانطور که اشاره کردم باید نگاهی گذرا به انقلاب ۵۷ قبل و بعد آن و همچنین پروسه قدرت گیری جمهوری اسلامی انداخت .

حکومت سلطنت که در آن اختناق و سرکوب ساواک و دستگاههای سلطنتی بشدت مرده راتحت فشار قرار داده بود .اما با اولین جرقه های انقلاب ایده های

انسانی و مطالبات و شعارهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه رشد کرده ودر صدر خواسته های مردم قرار گرفتند. کارگران بشدت به ایجاد تشکل ها و طرح خواسته ها و مطالبات خود پرداختند. کمیونستها و سوسیالیستها درسراسر ایران همدیگر را پیدا کردند و سعی در ایجاد تشکل های خود و همچنین خط دادن به مبارزات پراکنده کارگران و دیگر اقشار جامعه کردند.

اما با فشار زیاد برروازی جهانی و مخصوصا دول غرب به سرکردگی آمریکا این تلاشها به جای نرسیدن و توانستند دار و دسته های ارازل اوباش دنباله رو خود را بر سر قدرت بنشانند که دقیقا در نقطه مقابل خواسته های انقلابی و رادیکال و آزادیخواهانه مردم قرار داشتند. امپریالیزم جهانی به دلیل ترس از شوروی شدن ایران کسانی را علم کردند که نه فقط از جنبه سیاسی مسئله بلکه از لحاظ ایدئولوژیکی هم درمقابل شوروی وقت قرار میگرفتند حتی اگر این تقابل به کودکانه ترین شکل ممکن میبود .

اما بعد از به شکست کشاندن انقلاب و سرکوب خونین انقلابیون چپ و سوسیالیست، ثمره این انقلاب اجتماعی و بسیار قدرتمند، جمهوری اسلامی شد به سرکردگی خمینی وخامنه ای که پرونده سیاهشان شاید در دنیا کم نظیر است .

اما بعد از یک دوره جنگ و گریز مردمی که جمهوری اسلامی را قبول نکردند ویا حکومت نو پای اسلامی که تمام دول غرب از آن حمایت میکرد جنگیدند . بالاخره انقلاب شکست میخورد و جمهوری اسلامی در صدد حفظ ثبات سیاسی خود بر می آید. اما زیاد طول نمی کشد که حمله نظامی عراق شروع می شد و از این برکت به قول خمینی تمام استفاده را بردند ودر پیچ وخم جنگ، سیاست سرکوب انسانهای مبارز و مخالف خود را به وحشیانه ترین شکل ممکن پیش بردند .

بعد از جنگ با وعده های دروغین خود و با هدف توهم آفرینی نسبت به حکومت که با ساختن مملکت از نو به دست سردار سازندگی رفسنجانی میشود ایران را

به بهشت برین تبدیل کرد اما همه اینها شعارهای تو خالی بیش نبودند و خیلی زود دستشان رو شد و مردم متوهم به نظام، دیگر توهم خود را از دست دادند اما با علم کردن پدیده ی آخوند خوش خیم خاتمی و اصلاحات دروغینش می خواستند برای حکومت خود مشروعیت جدیدی در داخل و خارج بگیرند که این هم ناموفق از آب درآمد اما نکته مثبتی که آمدن خاتمی داشت این بود که دیگر خصلت واقعی حکومت اسلامی برای همگان عیان گشت و نشان داد که نظام اسلامی اصلاح شدنی نیست واین سیستم آنتی رفهم هست و نمیتواند هیچ گونه رفهمی را بپذیرد واین را دانشجویان خیلی زود در ۱۸ تیر به جامعه و جهانیان نشان دادند که میخواهند راهشان را عوض کنند و دست به ریشه بزنند و به یک معنی کلیت نظام اسلامی را زیر ضرب گرفتند. کارگران از شدت فقر و استیصال به تنگ آمدند به علاوه زنان که هیچ وقت نسبت به این آزادی ستیزان توهمی نداشتند دست در دست دانشجویان نهندند و همگی یکصدا در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کردند و دیگر امروز دانشجویان و کارگران و زنان و کلیه اقشار جامعه به این مسئله واقعی پی برده اند که باید در جستجوی آلترناتیوی برای آینده ایران باشند . امروزه اگر از دانشجوی دو خردادی و تحکیم وحدتی و رفهم خواهش هم سوال کنی جواب میدهد که تغییر در ایران اجتناب ناپذیر است و جامعه خود را برای این تغییر ریشه ای آماده میکند و سر کار گماردن پاسدار احمدی نژاد و دیگر جلاان سپاه پاسداران این را به خوبی نشان میدهد که خود جمهوری اسلامی هم فهمیده است که در ورطه سقوط قرار گرفته است و هر آن ممکن است جامعه منفجر شود و کاری از آنها ساخته نباشد به این خاطر بود که خواستند در نقطه مقابل تعرض جامعه قرار بگیرند و برای این کار مجبور بودند ارازل ترین و وحشی ترین بخش سپاه پاسداران را بر سر کار آورند اما این سیاست هم خیلی زود در همان اوایل قدرت گیری این باند با اعتراض شهرهای کردستان که نزدیک به یکماه طول کشید خود را نشان داد و این توهم که احمدی نژاد و باندش میتوانند در مقابل

جنبش سرنگونی قرار بگیرند به شکست انجامید جنبش سرنگونی قاطعانه تر از همیشه در مقابل این جانیان ایستاده و پیش میروند * با نگاهی گذار به رویدادهایی که در طول نزدیک به سه دهه به آن اشاره شد و سیاستها و مواضعی را که جریانات سیاسی در مواردی پیش بردند، روشن میشود که سیاستها و مواضع کدام جریان سیاسی است که امروزه ثمره آن را میبینیم؟ طیف راست که به همه چیز غیر از کنار زدن سرمایه داری و سرنگونی حکومت اسلامی فکر کرده است و کمونیز کارگری در طول سه دهه گذشته تمام وقت خود را صرف بسیج توده های مردم برای بزییر کشیدن جمهوری اسلامی و درست کردن یک حکومت سوسیالیستی در آینده ایران کرده است و سعی در خط دادن به جنبش سرنگونی طلبی در ایران کرده است. اما آنچه که امروز بیش از هر موقع دیگر عیان است این است که راست مستاصل و درمانده است و هیچ آینده ای را برای خود متصور نیست برعکس چپ که کاملا پویا و جوابگوی مسائل امروز عمل کرده است و نتیجه آن را هم گرفته است . اما اینجا این سوال مطرح است که جنبش سرنگونی طلبی در ایران تا کجا رفته است و وجه مشخصات و خصلت واقعی و مبارزاتی این جنبش کدامند. بدیهی است در جوامعی همچون جامعه امروز ایران که کاملا پلازیزه و قطب بندی شده است باید سراغ سیاست های دو قطب متخاصم رفت قطب چپ که نمایندگی آن را کمونیزم کارگری در جامعه و میان مردم دارد و قطب راست که شامل کل جریانات مخالف کمونیزم کارگری و سوسیالیزم همین امروز هستند میشوند . که به طبع هریک سخن گویان و شخصیت های خود را دارند و برای قطب مطبوعشان مبارزه میکنند و سعی در به خط کردن جامعه پشت سر سیاستهای خود را دارند و این خصلت واقعی و عینی مبارزه طبقاتی در جامعه امروز ایران است مبارزاتی که میروند سرنوشت ۷۰ میلیون انسان را رقم زند و این مقطع حساس و مهمی در تاریخ سیاسی ایران است و برای همین باید کاملا آگاهانه و مسلط بر راه و روش مبارزه طبقاتی پا به این

عرصه گذاشت . اما باید قبل از هر چیز این دو قطب و شخصیت هاش و سیاستهایشان را در مقابل دیده کان جامعه قرار داد و بخواهیم انتخاب کنند قطب راست که همانطور که از مفهومش پیداست برای یک حکومت متعارف سرمای داری در ایران تلاش میکند که شامل نیرو های زیادی همچون سلطنت طلب، دوزخدادیو غیره میباشد و عمدتا خود را با مفاهیمی چون لیبرال دموکرات، ملی مذهبی و غیره می ارایند. از شخصیت های برجسته این طیف میتوان به داریوش همایون، گنجی سازگارا شترین عبادی و غیره اشاره کرد که تقریبا همه این حضرات را بخوبی میشناسند و نیازی به معرفی آنها نیست.

اما پایگاه واقعی و عینی و عمده این جریانات سیاسی را میتوان ناسیونالیزم پرو غرب دانست که فارغ از رنگارنگی عناصر درونی آن یک هدف سیاسی دنبال میکنندوان هم همانطور که اشاره کردیم روی کار آمدن یک حکومت متعارف سرمایه داری است این قطب همیشه مخالف سرنگونی تمام و کمال حکومت اسلامیست و نیخواهد طوری اش به هم بخورد که آنها نتوانند کاری انجام دهند میخواهند از بالای سر مردم و بدون دست بردن به ریشه های نابرابری اجتماعی که وجود دارند قدرت سیاسی را دست به دست کنند وحتی ته قلبشان این است که به جای اینکه مردم خود در تعیین سرنوشت خویش شرکت داشته باشند آمریکا بیایدو توپ و تانک و بمب افکن هایش را بکار بیاندازد و آنان را از آسمان برای مردم نازل کند و قدرت را به آنها بدهد اما با زمین گیر شدن آمریکا در عراق این ارزی آنها هم به باد رفت یا حداقل در کوتاه مدت باید این تز خود را پس بگیرند و منتظر بشینند.

اما در مقابل نیرو های مذکور قطب چپ و رادیکال و کمونیزم کارگری قرار دارد این قطب متشکل از طبقه کارگر و زحمتکش به عنوان نیروی محوری و رهبری کننده و نیروی محرکه انقلاب اتی در ایران پا به عرصه مبارزه گذاشته است از مهمترین ارکان تعیین کننده این قطب میتوان بر دخالتگری مردم در سرنوشت خود نام برد که این امر

نشانه های بارز چرخش به چپ ...

ازصفحه ۵

خود به طبع مخالفت جدی و پیگیر خود را با هر گونه دخالتگری خارجی در آینده سیاسی کشور و همچنین مبارزه علیه استبداد داخلی و تلاش برای بهبود زندگی توده های مردم به دست خودشان را به همراه دارد.

بخش آن در جامعه توانسته در کلیه جهت گیری ها و قطب بندی های سیاسی جامعه منافع خود را به پیش ببرد و مروج سیاست انسانی و سوسیالیستی خود باشد هیچ یک از جریانات سیاسی طیف راست هم پوشیده نیست و تا حالا هم چندین بار به آن اعتراف کرده اند.

انسان (طیغف راست) و همپیمانان (بورژوازی جهانی) بخوبی به این واقعیت سیاسی و اساسی در جامعه پی برده اند که چپ در جامعه به قدری قدرتمند و همه گیر شده است که به هیچ وجه نمیتوان آن را از معادلات سیاسی نقشه ایران خارج کرد.

از نشانه های بارز چرخش جامعه به چپ و فراگیری سوسیالیسم در جامعه ایران میتوان به سنت تبدیل شدن برگذاری باشکوه هر ساله مراسم های اول مه، ۸ مارس، ۱۶ آذر و غیره اشاره کرد که در آن چپ در جامعه با قطعنامه ها و خواسته ها و مطالبات رادیکال و سوسیالیستی مهر خود را بر پیشانی جامعه میزند. اما بیشک در چنین حالتی این سوال مطرح میشود که با وجود جریانات مختلف چپ که هر کدام خود را به نوعی چپ و رادیکال و سوسیالیستی و برحق سعی میکنند نشان دهند و یا بنا به ضرورت زمان خود را وقف بدهند کدامیک از آنها چپ واقعی است که برای بهبود زندگی توده های کارگر و زحمتکش و آزادی بی قید و شرط انسان و همچنین جهانی عاری از استثمار و به یک معنی سوسیالیسم همین امروز تلاش میکنند.

اگر این سوال را در انقلاب ۵۷ مطرح میشد و اینکه کدام جریان چپ و کمونیست است بی شک حزب توده و فدایی و خلقی و اکثریت و غیره آنها بودند که به ذهن آدمی خطور میکردند. کمونیسم های دروغین

و غیره کارگری که خود را پایگاه سوسیالیسم معرفی می کردند اما با آمدن منصور حکمت همه اینها در یک فطره زمانی کوتاه ویا تقدیهای مارکسیستی وی از صحنه سیاسی چپ در ایران محو شدند و خود (منصور حکمت) حزبی را بنا نهاد که امروز کمونیسم و سوسیالیسم در ایران با نام آن عجین شده است و این را هیچیک از جریانات سیاسی نمی توانند انکار کنند و حتی ترس از قدرت گیری چپ و کمونیسم کارگری در ایران آنان را به تبلیغات و پروپاگنده بشدت ضد کمونیستی وا داشته و تمامی مدیای خود را برای آن بسیج کرده اند.

اما حزب کمونیست کارگری و همچنین احزاب منشعب از آن و سیاستها و جهت گیری های آنان در این دوره کوتاه اخیر در خود جای تعمق است و باید نگاهی هم به سیاستهای این دو جریان به رهبری فکری کورش مدرسی و علی جوادی از کادرها و رهبران درجه یک دو حزب حکمتیست و اتحاد کمونیست کارگری انداخت که بنظر می آید که هر دو تقریباً به یک هسته فکری متعلقند و سیاستهای متمایز کننده آنها از همدیگر چندان زیاد نیستند.

جریان کورش مدرسی و حزب حکمتیست که از همان ابتدا تناقض خود را با تزه های چون انقلاب آتی در ایران سوسیالیستی نیست و مردم شعور درک سوسیالیسم را ندارند و از آن رم میکنند بنانهاد اما خوشبختانه تا امروز هم نتوانستند دلایل و مدارک قاطعی برای اثبات تزهایش پیدا کنند و در عوض شروع به تخریب روحیه ی نیروهای جوان و رادیکال در میان کارگران و دانشجویان کردند که خوشبختانه حاصلی بدست نیامد و امروزه دانشجویان و کارگران رادیکال تر از همیشه برای سرنگونی حکومت اسلامی خیز برداشته اند و امروز می بینیم عده ی زیادی از رهبران و کادریهای حزبی مستاصل و درمانده

دنبال تزه های همچون پژاکسیم و انداختن جمهوری اسلامی از راه نظامی به فرماندهی حزب گارد آزادی راه افتاده اند که خصلت این تزه ها هم از تزه های مذکور که تناقض و انشعاب از کمونیسم کارگری را باعث شد ارتجاعی تر و راست ترند.

اما حزب علی جوادی حزب اتحاد کمونیسم کارگری کل سیاست خود را بر اتحاد به قول خودشان نیروهای چپ بنا نهادند البته باید از این رفقا پرسید که از دیدگاه آنان کدامیک از جریانات و نیروهای سیاسی که شما خواهان اتحاد با آنان هستید به یکباره از زیر زمین برون آمدند و کمونیست و چپ شدند؟ باید این را روشن کنند تا این نیروها را افکار عمومی و مخصوصاً چپ جامعه بشناسند و سیاستهای آنان را ارزیابی و انتخاب کنند اما متأسفانه در این مورد مهم سکوت کردند و به کلی گویی بسنده کرده اند و این نقاط کور و گنگ سیاست این دوستان به نفع خودشان و طیف متحدشان نخواهد بود منصور حکمت که به همه ما به خوبی یاد داد که باید سیاستمان را علنی کنیم و مردم در مورد آن به

قضات بنشینند و نباید جای شک و شبه ای گذاشت به هر حال این دوستان باید این مسئله را درک کنند و برای آن چاره اندیشی کنند. اما گذشته از همه اینها این واقعیت بر همگان آشکار است که چپ و رادیکال ترین بخش آن (کمونیسم کارگری) اتوریته خود را بر اوضاع سیاسی جامعه مسلط کرده است و می رود که یک انقلاب کارگری با همراهی زنان و دانشجویان و تمامی اقشار ناراضی و تحت ستم جامعه را صورت دهد و ما کمونیست کارگری باید در این مقطع حساس زمانی نقش حیاتی خود را به نحوی مطلوب انجام دهیم و نگذاریم یکبار دیگر بورژوازی جنبش آزادیخواهانه مردم را به بیراهه بکشد باید با تکیه بر بالا بردن آگاهی طبقاتی در میان توده های کارگر و زحمتکش و همچنین زنان و دانشجویان و کلیه اقشار جامعه به مقابله با بورژوازی رفت. باید تمام تلاشمان را برای درست کردن یک دنیای بهتر که شایسته انسان باشد بکار اندازیم و حکومت سوسیالیستی را بنا نهیم که در آن همه آزاد و برابر و مرفه و شاد باشند.

به امید یک دنیای بهتر

مرگ یک کارگر بدنبال سقوط به چاه

ازصفحه ۱

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ابراز همدردی با خانواده صابر نواری و تمامی دوستان و بستگان او از همه این عزیزان میخواهد که خانواده او را تنها نگذارند. این اولین بار نیست که کارگران در ایران بعلت ایمن نبودن محل کار و نبود امکانات ایمنی به چنین سرنوشت ناگواری دچار میشوند. این واقعه دردناک بار دیگر اثبات میکند که سرمایه داری کمترین ارزش و اهمیتی برای جان و زندگی کارگران قائل نیست. مهم برای سرمایه دار تولید سود بهر قیمت و تحت هر شرایطی است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از تمامی کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلب میخواهد که برای ابراز همدردی با خانواده صابر نواری و اهالی روستای اوپهنگ و برای نشان دادن نفرت و انزجار خود علیه حکومت سرمایه داری ضد انسانی و ضد کارگری در مراسم یادبود او شرکت کنید.

گرامی باد یاد و خاطره تمامی کارگران جان باخته

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۰۷ اکتبر ۲۰۰۷www.wpiran.org
www.rowzane.comاز سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!